

بررسی راهبرد مومنتوم رژیم صهیونیستی

احسان جعفری فر^۱

فصلنامه مطالعات راهبردی جهان اسلام، سال بیست و چهارم، شماره ۳، پیاپی ۹۵، پاییز ۱۴۰۲؛ صفحات ۲۸ - ۵

تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۲/۰۹/۲۵

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۷/۱۵

چکیده

احساس ترس و ضرورت مهار قدرت روبه رشد جمهوری اسلامی ایران و محور مقاومت در منطقه غرب آسیا، رژیم صهیونیستی را برای اجرای راهبرد مومنتوم ترغیب کرده است. راهبرد مومنتوم یک دکترین نظامی و امنیتی است و از سال ۲۰۲۰-۲۰۱۹ (۱۳۹۷-۱۳۹۸) مورد پیگیری قرار گرفته است. بنابراین هدف پژوهش، بررسی راهبرد طرح مومنتوم رژیم صهیونیستی بوده و ضرورت آن به این دلیل است که برخی معتقدند این طرح، تحولی بر راهبردهای نظامی این رژیم خواهد بود. پرسش پژوهش حاضر این است که ضرورت و نحوه عملیاتی سازی راهبرد نظامی و امنیتی مومنتوم بر چه اساسی است؟ یافته‌ها نشان می‌دهد با توجه به اینکه رژیم صهیونیستی دارای عمق استراتژیک نبوده و با تثبیت پایه‌های رژیم بشمار اسد در سوریه، این رژیم تلاش دارد تا به صورت پیش‌دستانه با اقدام نظامی تهدیدهای امنیتی خود را رفع و در این راه از قدرت نرم برای تحت فشار قرار دادن نیروهای مقاومت نیز استفاده کند. با این حال، طرح مومنتوم به طور کامل تاکنون موفقیت آمیز نبوده است و نه تنها نتوانسته به اهداف خود در زمینه جلوگیری از استقرار ایران و تضعیف حزب الله دست یابد؛ بلکه تنش در منطقه را نیز به طور قابل توجهی افزایش داده است. پژوهش حاضر به روش توصیفی-تحلیلی و با اسناد کتابخانه‌ای گردآوری شده است.

واژگان کلیدی

راهبرد مومنتوم، رژیم صهیونیستی، غرب آسیا، محور مقاومت، امنیت.

مقدمه

امنیت، دغدغه اصلی رژیم صهیونیستی از ابتدای تأسیس تا کنون بوده است. این رژیم همواره به دنبال حفظ امنیت و بقای خویش، گزینه نظامی و حمله به برخی مناطق را در دستور کار خود قرار داده است. رفع چالش‌های امنیتی موجب اتخاذ راهبردهای متعددی شده است که مهم‌ترین آن، توجه به این موضوع است که بنای امنیت را باید در داشتن سلاح هسته‌ای و اقدامات تهاجمی قرار داد. با این حال، به نظری رسد رژیم صهیونیستی در صحنه عملیاتی نه تنها با مشکلات عدیده‌ای از ورود نظامیان به میدان نبرد مواجه شده است؛ بلکه تلفات و هزینه‌های بسیاری نیز متحمل شده است. به نظر برخی فرماندهان و سیاست‌گذاران نظامی صهیونیستی، این رژیم از نظر امنیتی در ضعف شدیدی به سر می‌برد؛ چرا که سیاست‌های منطقه‌ای این رژیم در زمینه تضعیف محور مقاومت از طریق سقوط بشار اسد، میسر شده است.

بنابراین، تهدیدهای روبه‌تزايد، این رژیم را در معرض خطر قرار داده است. سوریه به دلیل موقعیت ژئوپلیتیکی و هم‌مرزی با رژیم صهیونیستی، همواره یکی از مهم‌ترین چالش‌های امنیتی این رژیم به حساب می‌آمده است. هر چند با عدم سقوط بشار اسد ثبات در سوریه برقرار شد؛ اما این امر موجب شد تا رژیم صهیونیستی به سبب تقویت محور مقاومت و افزایش نفوذ منطقه‌ای ایران، به دنبال اجرای طرح‌های امنیتی جدید باشد و متناسب با شرایط فعلی پیش رود. راهبرد مومتوم رژیم صهیونیستی که در سال‌های ۲۰۱۹ و ۲۰۲۰/۲۰۲۱ و ۱۳۹۷ و ۱۳۹۸ از سوی ژنرال آویو کوخاوی، رئیس ستاد کل ارتش صهیونیستی رونمایی شد، یک دکترین نظامی تهاجمی است که بر افزایش سرعت، دقت و قدرت آتش ارتش صهیونیستی در مقابله با تهدیدهای متعدد منطقه‌ای تمرکز دارد. پرسش پژوهش حاضر این است که ضرورت و نحوه عملیاتی‌سازی راهبرد نظامی و امنیتی مومتوم بر چه اساسی است؟ در پاسخ به این پرسش،



باید گفت به نظری رسد ضرورت این راهبرد به سبب جلوگیری از جنگ فراگیر و در عین حال، توان ضربه زدن به دشمن بوده و برای عملیاتی کردن آن، از قدرت سخت و نرم نیز استفاده شده است.

چارچوب مفهومی: راهبرد مونتوم

اساس گفتمان امنیت ملی اسرائیل بر اصل پازدارندگی قدرت نظامی متمرکز است. عواملی از قبیل برتری نظامی و تسلیحاتی، پیشتازی، نظامی‌گری، غافلگیری، تهاجم از طریق حملات برق‌آسا و کوتاه‌مدت، استفاده نظامی از منازعه و تهدید نسبت به همسایگان و دشمنی با کشورهای عرب و مناطق غیر یهودی در خاور میانه مانند ایران، حمایت از کشورهای غربی، فرهنگ غرب، ایجاد استراتژیک با آمریکا و توسعه طلبی از ویژگی‌های اصلی آن است (محمدی گر مخانی، ۱۳۹۶: ۱۲۷). در همین راستا، تقویت توان نظامی و امنیتی برای ایجاد پازدارندگی در دستور کار قرار گرفته است؛ از جمله ایجاد سیستم دفاع موشکی گنبد آهنین که با تبلیغات فراوان همراه شده است. ریشه سپردفاع موشکی گنبد آهنین به جنگ اسرائیل و لبنان در سال ۱۳۸۴/۲۰۰۶، برمی‌گردد. این سامانه قادر است راکت‌ها و گلوله‌های توپ را در فاصله ۴ تا ۷۰ کیلومتر هدف قرار دهد (سالاری، ۱۳۹۲: ۸۲). در زمینه راهبردهای تدوین شده این رژیم، به‌ویژه پس از سال ۲۰۰۰ (۱۳۷۸)، می‌توان برنامه‌های نظامی را با عنوان گلاب (۲۰۰۲)، تیفن (۲۰۰۷)، تیوزا (۲۰۱۳)، گیدئون (۲۰۱۶) و در حال حاضر تنوفایا مونتوم (۲۰۲۰) نام برد. همه این راهبردها و برنامه‌های نظامی به صورت دور از دسترس برای غیر نظامیان و به شکل داخلی منتشر شدند. در این میان، تنها راهبرد نظامی آیزنکوت در سال ۲۰۱۵ (۱۳۹۳) برای اولین بار به صورت علنی منتشر شد (حیپی و همکاران، ۱۴۰۰: ۱۳).

به طور کلی، استراتژی نظامی اسرائیل یک «استراتژی دفاعی تعریف شده است که باید به طور تهاجمی به اجرا درآید»؛ زیرا به دلیل نداشتن عمق استراتژیک و آسیب‌پذیری نیروهای نظامی، اسرائیل تلاش می‌کند تا نبرد را به قلمروی دشمن خود منتقل کند. بنابراین، دکترین‌های نظامی

اسرائیل با پیش فرض‌های تهاجمی همچون به‌کارگیری نیروی نظامی کونده و قاطع، ضربات پیشگیرانه و کشاندن جنگ به خاک دشمن بنا شده است. بادست‌یابی این رژیم به سلاح‌های هسته‌ای، سیاست‌های تهاجمی اسرائیل ابعاد جدیدی یافته است (خدیمی و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۱۰).

در سال ۲۰۱۹ (۱۳۹۷) آوو کوخاوی طرح مومنتوم (عبری: تنوفا) را برای جایگزینی بار اهر ب دگیدئون ارائه کرد. پیشبرد تأثیرگذاری سریع ارتش و قابلیت مهلك بودن آن، هم در زمینه نابودی نظامی دشمن و هم در زمینه هدف قرار دادن نظامیان در هر رزم آتی، موجب شد که هدف این طرح، نابود کردن سیستماتیک و نظام مند حریف و پیرو ز شدن با ضربه قاطع در دور اول مصاف باشد. در صورت درگرفتن يك مواجهه گسترده، اسرائیل از نیروی آتش برای تخریب مادی گسترده در توانمندی‌های نظامی و زیرساخت‌های دشمن استفاده خواهد کرد؛ به طوری که بازیابی و ترمیم تخریب‌های ایجاد شده، سال‌ها زمان خواهد برد و جنگ آتی را تا مدت‌ها به تعویق می‌افکند. طبق طرح تنوفا، واحد نظامی جدیدی به نام ۹۹ که دارای چند آتشبار پیشرفته است، در موازات تلاش برای سازماندهی نیروهای ویژه احتیاط و انضمام آنان به این واحد ایجاد می‌شود. قرار است که واحد «کفر» که در کرانه باختری فعال است نیز به این واحد افزوده شود تا دایره فعالیت آن به جبهه‌های شمالی و جنوبی نیز کشیده شود. اگرچه ارتش رقم بودجه طرح را دقیقاً عنوان نکرده است؛ ولی از ۴۰ میلیارد شیکل طی يك دهه (۴ میلیارد شیکل در هر سال) به عنوان رقمی منطقی برای شروع صحبت کرده است. این رقم برگرفته از طرح نتانیا هو در باره رویکرد امنیتی ۲۰۳۰ است. ارتش عنوان کرده که این طرح تا حدود زیادی با تنوفا همپوشانی دارد (Tabyincenter, ۱۳۹۹). رسانه‌های اسرائیلی گزارش دادند که ۳۰ درصد از این طرح به قابلیت‌های دفاعی از جمله قابلیت‌های پدافند هوایی مانند «کنبد آهنین» و غیره اختصاص یافته است (Arab۴۸، ۲۰۲۰).

بر اساس این طرح، ارتش علاوه بر تلاش برای سازماندهی مجدد نیروهای ذخیره ویژه و گنجاندن آنها در لشکر موجود، يك لشکر جدید نظامی به نام «لشکر ۹۹» تأسیس خواهد کرد که اعضای آن قابلیت آتش پیشرفته دارند. لشکر «کفر» که در مرزهای باختری فعال است، فعالیت



خود را به دو جبهه شمال و جنوب گسترش خواهد داد. این طرح شامل استقرار دو اسکادر هوایی نظامی تا پایان دهه جاری به علاوه دو اسکادر که پیش‌تر مورد تأیید وزیران قرار گرفته بودند، شامل حداقل دو اسکادر هواپیمای پیشرفته F-۳۵ آمریکایی و دو اسکادر بالگرد جدید است. همچنین، این طرح شامل تأمین چهار کشتی جنگی حامل موشک جدید برای حفاظت از سکوهای گازی در دریای مدیترانه است. (Arab ۲۰۲۰، ۴۸).

یکی از برجسته‌ترین اجرائیات طرح کوخاوی «واحد ارواح» است. این واحد یک ترکیب منحصربه‌فرد از نیروهای عملیات با قابلیت‌های سایبری، پهپادهای پیشرفته، نیروی هوایی و اطلاعات میدانی است. این نیروها برای نفوذ به تراکم دشمنی، آماده و مجهز شده‌اند تا اهداف خود را تعیین کنند و سپس مکان دقیق آنها را به وسیله تسلیحات دوربرد که با شلیک مهمات دقیقی برای نابودی آنها به‌کار می‌روند، ارسال کنند (Academic., ۲۰۲۳: ۱۸). زیرساخت‌های اتصال دیجیتال و استفاده از عملیات هوایی در مأموریت‌های منحصربه‌فرد در حمایت از مانورهای زمینی مشترک برای مقابله با تهدیدهای از راه دور، مورد توجه قرار می‌گیرد (Tv Visraelnews, ۲۰۲۰).

به نظر برخی، طرح مونتوم سیستم مهمی برای جهت‌گیری به سوی دیجیتال‌سازی کردن میدان جنگ، افزایش میزان موفقیت درگیری و ایمنی واحدهاست. در گذشته، وقتی یک سرباز با اسلحه برای ضربه زدن ممکن بود زمان طولانی‌تری نیاز داشته باشد و به همین دلیل گاهی مدت زمان لازم برای رسیدن به اهداف مهم کافی نبود، این سیستم به ارتش کمک می‌کند تا با حفظ استانداردهای ایمنی، میزان موفقیت ضربه را افزایش دهد (Frantzman, ۲۰۲۰). به نظری رسد طرح مونتوم برای افراد و سازمان‌های امنیتی اسرائیل که دکترین «تقویت خود» را مورد انتقاد قرار می‌دادند، ایده جذابی باشد؛ زیرا موجب می‌شود که اسرائیل حداقل عملیات برون مرزی خود را تشدید کند. از زمان مطرح شدن این طرح، افرادی همسو با این ایده

نظراتی داده‌اند؛ از جمله اینکه در سال ۲۰۱۹ (۱۳۹۷) سرهنگ یهودا واخ^۱ اشاره کرد، ملتی که خودش را با حصارها، موانع و دیوارها محکم می‌کند، واقعاً در ترس زندگی می‌کند و این استحکامات ترس، نشان از ضعف قدرت است. سرلشکر اسحاق بریک^۲ که به عنوان رئیس بازرس ارتش اسرائیل مشغول به کار بود، در مصاحبه با آوی جاگرد در سال ۲۰۲۱ (۱۳۹۹)، آمادگی عملیاتی و همچنین، تردیدهای خود را در مورد مفهوم تقویت خود بیان کرد. سرتیپ اران اورتال، فرمانده سابق مرکز مطالعات نظامی میان رشته‌ای دادو که جزء ریاست عملیات ستاد کل در اتاق فکر داخلی است، در فوریه ۲۰۲۳ (۱۴۰۱) اعلام کرد: «وضعیت نظامی مادر حال فرسایش است، نه بهبود» (Brownpundits, ۲۰۲۳). از همین رو، همان طور که آموس هارل، تحلیلگر نظامی روزنامه‌ها آرتص، به این نکته اشاره دارد که این طرح با هدف اینکه به ارتش نیروی محرکه داده شود، اجرائی شود؛ ولی مسئله اصلی، تمایل به ریسک کردن است که باید در نظر بگیریم (Arab۴۸، ۲۰۲۰).

از این نظر استرژتی مومنتوم هرچند می‌تواند ابزاری قدرتمند برای ارتش باشد؛ اما باید با احتیاط و دقت اجرا شود. از یک سو موفقیت آن شاید این باشد که پیش‌دستانه انجام شود تا جنگ بعدی را به تعویق بیندازد؛ ولی از سوی دیگری می‌تواند اقدامات تلافی جویانه را به همراه داشته باشد. از طرفی کارایی این طرح، اجرای آن بدون محدودیت زمانی و مکانی است. کوخاوی تأکید داشت که هدف اصلی این برنامه چندساله، کوتاه کردن مدت زمان لشکرکشی‌ها قبل از پیروزی‌های قاطع اسرائیل است. وی همچنین اشاره کرد که اجرای مومنتوم در آینده بسیار ضروری است. به علاوه، باتلاشی که دشمنان اسرائیل برای کاهش برتری ارتش این کشور انجام می‌دهند، افزایش و گسترش اثر بمبشی-نیروهای ارتش اسرائیل بسیار حیاتی است. کوخاوی اظهار کرد: «مادر موقعیتی استثنایی هستیم که باید به منظور افزایش قدرت و تاثیر ارتش، نه تنها در یک ماه یا یک سال، بلکه در چند سال آینده بر اجرای این

۱. Yehuda Vach

۲. Yitzhak Brick

طرح برای تعیین نحوه پیروزی و زمان لازم برای رسیدن به پیروزی استفاده کنیم؛ زیرا ما توانایی‌های لازم این کار را نیز داریم، (TvVisraelnews, ۲۰۲۰).

پس فرض اساسی این استراتژی تهاجمی این است که دشمن رانمی‌تواند بایک وضعیت دفاعی شکست داد. بنابراین، برای دست‌یابی به نتایج نظامی ملموس، استفاده از زور در وضعیت تهاجمی ضروری است. استفاده از زور به منظور دست‌یابی به اهداف سیاسی در حالی که مغایر با مقررات حقوق بین‌الملل با تأکید بر قوانین جنگ و حراست از مشروعیت دولت است. استراتژی مونتوم راهنمای نیروهای دفاعی اسرائیل برای پنج سال آینده بوده و مهم‌ترین اولویت آن، کاهش نیروهای انسانی، هزینه‌ها و تلفات ارتش اسرائیل است. به عبارتی، اصل اساسی این برنامه این است که در یک جنگ آتی، رژیم صهیونیستی باید در سریع‌ترین زمان ممکن به پیروزی دست یابد. برای انجام این کار، برنامه بر بهبود توانایی اطلاعات نظامی برای مشخص کردن اهداف در سرزمین دشمن، تجهیز نیروهای دفاعی با تجهیزات بیشتر و بهتر تأکید داشته و همچنین، بر نبردهایی متمرکز دارد که در آنها انتظاری رود سربازان از تجربه بیشتری برخوردار باشند (iiwfs, ۱۳۹۹).

از دیدگاه اسرائیل، گسترش ظرفیت موشکی ایران و شبکه‌های شبه‌نظامی آن، تهدیدی جدی برای امنیت استراتژیک و منافع منطقه‌ای آن است. بنابراین، مهم‌ترین هدفی که در این راهبرد اتخاذ شده است، مهار قدرت فزاینده جمهوری اسلامی ایران است. در این راهبرد، صهیونیست‌ها به این نتیجه رهنمون شده‌اند که برای مقابله با جریان مقاومت، باید در مواجهه مستقیم با سراین جریان، جمهوری اسلامی ایران، قرار گیرند. این راهبرد، با تجدیدنظر در مفهوم پیروزی به جای تصرف سرزمین، بر از بین بردن حداکثر قابلیت‌های دشمن در کمترین زمان و با کمترین هزینه و تلفات متمرکز است (رجبی، ۱۴۰۰: ۱۹۶-۱۹۵).

تصور مونتوم از موفقیت بر تخریب سریع زیرساخت‌های دشمن، از جمله مراکز فرماندهی، انبارهای تسلیحات، و پایگاه‌های پرتابه و همچنین، پرسنل تأکید داشت. این پیروزی را از طریق سرعت و

اثریست که می‌توان تهدیدها را از بین برد، اندازه‌گیری کرد. همین مفهوم باشدت کمتر، می‌تواند برای جلوگیری از بازسازی قابلیت‌های جدید به کار رود. همان‌طور که اسرائیل به روش‌های مختلف در کرانه باختری و سوریه انجام داده است و در لبنان در برابر حزب الله بین سال‌های ۲۰۰۶ تا (۱۳۸۴) تا ۲۰۲۳ (۱۴۰۱) شکست خورده است. برنامه مومنتوم تعریف جدیدی از پیروزی نظامی ارائه کرد. برخلاف تمرکز سنتی بر تصرف سرزمین دشمن، مومنتوم پیروزی را به عنوان حذف سریع قابلیت‌های دشمن تعریف می‌کند (Lappin, ۲۰۲۳). آویوکو خاوی، رئیس ستاد کل ارتش رژیم صهیونیستی مدعی شد که با اجرای این طرح توسعه ارتش رژیم صهیونیستی به مراتب «سریع‌تر، دقیق‌تر و مرگ‌آورتر» می‌شود (namehnew, ۱۳۹۸).

راهبردهای نظامی رژیم صهیونیستی

| سال | راهبرد/ توضیحات |
|-----------|---|
| ۱۳۹۳/۲۰۱۵ | طرح گیدئون (Gideon) ارتش رژیم صهیونیستی در سال ۲۰۱۵ میلادی به دلیل تغییر در نوع تهدیدهایی که به آن وارد شده بود، در تلاش بود تا به راهبرد نظامی و امنیتی جدیدی که با شرایط واقع‌شده در غرب آسیا در آن زمان سازگاری بیشتری داشته باشد، بیندیشد. این راهبرد که با نام «گیدئون» شناخته می‌شود، اهم تغییرات مرتبط با بحران سوریه را که رژیم صهیونیستی با آن سروکار داشت، مورد بررسی و توضیح قرار می‌دهد. یکی از تغییرات مهم و استراتژیک، جایگزین شدن کشورهای متخاصم همسایه با گروه‌های نظامی است که با حمایت از کشورهای ج.ا.ایران و سوریه فعالیت می‌کنند. |
| ۱۳۹۴/۲۰۱۶ | از سال ۲۰۱۶ میلادی و پس از شکل‌گیری ائتلاف میان ایران، روسیه و سوریه، مناطق مهمی از شمال سوریه آزاد شد. این پیشروی‌ها به این مناطق محدود نشد و در جنوب سوریه نیز ادامه یافت. از آنجا که جنوب سوریه به دلیل داشتن مرز مشترک با فلسطین اشغالی از اهمیت ویژه‌ای برای صهیونیست‌ها برخوردار است، براین اساس، رژیم صهیونیستی مطرح کرد که نیروهای ایرانی باید در فاصله ۶۰ کیلومتری از مرزهای فلسطین اشغالی قرار گیرند. در غیر این صورت با واکنش نظامی این رژیم مواجه خواهند شد. طرح «جنگ میان جنگ‌ها» در همین راستا مطرح شد. برای نیل به این منظور، صهیونیست‌ها رایزنی‌های جدی را با آمریکا و روسیه انجام دادند؛ اما |

| سال | راهبرد/ توضیحات |
|-----------|---|
| | آن‌گونه که از پایان مذاکرات آشکار شد، روسیه تمایلی به عقب‌نگه‌داشتن جای ایران از مرزهای فلسطین اشغالی نداشت و آمریکا نیز ترجیح می‌داد در مناطق نفت‌خیز شمال با ایران روبه‌رو شود تا در جنوب سوریه. |
| ۱۳۹۵/۲۰۱۷ | رژیم صهیونیستی از سال ۲۰۱۷ میلادی به شورشیان در مناطق جنوب سوریه کمک‌های جدی کرد تا آتش‌درگیری میان متحدان ایران و شورشیان شعله‌ور باشد و از این طریق یک حریم امنیتی برای این رژیم به‌وجود آید. بر اساس اظهارات یکی از شورشیان جنوب سوریه، رژیم صهیونیستی حداقل به ۱۲ گروه شورشی در قنیطره، درعا و دمشق کمک می‌کند که این کمک‌ها شامل ارسال سلاح‌های سبک، وسیله نقلیه، پول و کمک‌های پزشکی می‌شود. |
| ۱۳۹۶/۲۰۱۸ | در سال ۲۰۱۸ میلادی این رژیم مذاکره‌ای با دولت سوریه آغاز کرد تا بر اساس آن، ایران از جولان ۸۵ کیلومتر فاصله بگیرد و در عوض، صهیونیست‌ها ارسال کمک به گروه‌های شورشی در جنوب را قطع کنند تا دولت سوریه در بازپس‌گیری این مناطق راحت‌تر عمل کند؛ اما در میانه مذاکرات، نیروهای سوریه با کمک نیروهای ایرانی حملات شدیدی را به جنوب سوریه انجام دادند و شورشیان نیز که خود را تنها در معرکه نبرد سختی می‌دیدند، ترجیح دادند خود را تسلیم نیروهای سوری کنند و با آنها پیمان صلح امضا کنند. |
| ۱۳۹۷/۲۰۱۹ | آویو کوخاوی، رئیس ستاد مشترک ارتش رژیم صهیونیستی، در تاریخ ۲۵ دسامبر ۲۰۱۹ میلادی، راهبرد پنج‌ساله جدیدی را معرفی کرد. این راهبرد به نام «تئوفا» یا راهبرد نظامی و امنیتی مومنتوم (Momentum) شناخته می‌شود که به معنای «شتاب» در عبری است و از سوی نفتالی بنت، وزیر جنگ رژیم صهیونیستی، تصویب شده است. هدف اصلی این راهبرد برای صهیونیست‌ها در سوریه، مهار قدرت رو به رشد جمهوری اسلامی ایران است و این امر از طریق انتخاب تاکتیک‌های تهاجمی‌تر نسبت به راهبرد قبلی یعنی گیدنون صورت خواهد گرفت. این راهبرد شامل تجدیدنظر در تعریف «پیروزی» نیز می‌شود؛ یعنی به‌جای تصرف سرزمینی باید قابلیت‌های بالقوه دشمن را نابود کرد. |

منبع (ر.کرجی، ۱۴۰۰: ۸۶-۹۰)

اهداف راهبرد مومنتوم اسرائیل در سوریه

باید گفت محولات ژئوپلیتیک غرب آسیا و شمال آفریقا به‌ویژه آغاز بیداری اسلامی از سال ۲۰۱۱ (۱۳۸۹) با توجه به ویژگی‌های خاص و

مفصل به فرد خود، مرحله نوینی در حیات سیاسی، اجتماعی و امنیتی کشورهای منطقه ایجاد کرد و فضای امنیتی آن را با توجه به واقعیات موجود تغییر داد. در این میان، رژیم صهیونیستی نگرانی و حساسیت فراوانی نسبت به تحولات جهان عرب نشان داده است و دستگاه‌های سیاسی و اطلاعاتی آن به صورت دقیق این تحولات را رصد کرده و می‌کنند؛ چراکه رژیم صهیونیستی از زمان تأسیس با تنگ‌ناها و چالش‌های امنیتی مهم و جدی روبه‌رو بوده است و امنیت، اصلی‌ترین دغدغه رهبران این رژیم و قدرت‌های فرامنطقه‌ای حامی آن را تشکیل می‌دهد. تغییر معادلات در منطقه استراتژیک غرب آسیا نه تنها موجب بدتر شدن اوضاع امنیتی رژیم صهیونیستی شد؛ بلکه به زیان نفوذ و اقتدار حامی اصلی آن یعنی آمریکا نیز رقم می‌خورد. همین مسئله بر شدت نگرانی رژیم صهیونیستی‌ها می‌افزاید؛ چراکه اگر آمریکا حمایت‌های خود را از رژیم صهیونیستی افزایش ندهد، بازتاب‌های منفی این اوضاع بر امنیت اسرائیل بسیار بیشتر خواهد بود. خیزش‌های مردمی در منطقه نشان داد که سال‌ها سرکوب، اشغالگری و نقض مکرر حقوق اعراب نمی‌تواند تضمین‌کننده امنیت اسرائیل باشد و اراده مردمی قوی‌ترین نظام‌های سیاسی و قدرتمندترین ارتش‌های جهان را به زانو درمی‌آورد. به همین دلیل، تأمین امنیت به مهم‌ترین اولویت سیاست خارجی رژیم صهیونیستی تبدیل شد و این رژیم می‌کوشد با پیامدهای این تحولات به هر نحو ممکن مقابله کند تا از خطر تهدیدهای امنیتی در امان بماند (محمدی گرمانی، ۱۳۹۶: ۶۳).

در ادامه، به اهداف راهبردی رژیم صهیونیستی در سوریه اشاره می‌شود که شامل مقابله با محور مقاومت، کاهش هزینه‌های نظامی و تضعیف عمق استراتژیک دشمن است.

۱. مقابله با محور مقاومت

بحران سوریه از یک نظر برای تأمین امنیت و منافع رژیم صهیونیستی و تضعیف جبهه مقاومت با محوریت ایران و سوریه فرصت بود. با تضعیف

ایران به عنوان نماد اسلام سیاسی در منطقه، تلاش برای پیشبرد صلح اعراب و رژیم صهیونیستی از طریق سقوط بشار اسد قابل اجرا بود (رک احمدی یقین، ۱۳۹۹: ۱۴۲). بنابراین، یکی از دلایل مهم بودن روابط راهبردی ایران و سوریه، حمایت دو کشور مذکور از مقاومت اسلامی است. به طور کلی، فرهنگ مقاومت و واژه‌ای است که به عنوان ریسمان مشترک فرهنگی ایران را با سوریه و شیعیان لبنان پیوند می‌زند و تجلی نقش پیشاهنگ انقلاب اسلامی ایران در منطقه است که در سایر نقاط پرورش می‌یابد. در این فرهنگ، ایران به عنوان کانون یا مرکز مقاومت در برابر سیاست‌های اسرائیل و آمریکا نقشی محوری ایفا می‌کند و به غیر از جنبه‌های سیاست خارجی، از نظر فعالیت‌ها و تعاملات نظامی در خاورمیانه نیز وارد عمل می‌شود (Wastnidge, ۲۰۱۹: ۱۳) و سوریه به عنوان مسیر اصلی ترانزیت و لجستیک برای تهران حیاتی است؛ امری که اسرائیل از آن احساس تهدید می‌کند؛ چراکه ایهود باراک، وزیر جنگ صهیونیستی گفته بود: «سقوط بشار اسد برای منطقه خاورمیانه نعمت بزرگی است.» سخنی که دیگر مخالفان بشار اسد نیز به نوعی با اهداف دیگری بیان کرده بودند. این رویکرد خصمانه در قبال سوریه، این کشور را گرفتار یک توطئه گروهی از جانب آمریکا، غرب، عربستان سعودی و رژیم صهیونیستی کرده است و گواهی بر داخلی نبودن این بحران دارد. در این میان، قطر و ترکیه نقش کاتالیزوری را بازی می‌کنند تا در مواضع منطقه‌ای به بحران سوریه شدت بخشند. آنچه در قیاس با دیگر مخالفان رژیم بشار اسد می‌توان گفت، این است که رژیم صهیونیستی در این بحران بیشترین نفع را از سقوط آن می‌برد؛ چراکه مسئله حزب الله نیز مرتبط با این موضوع است. از همین رو، این رژیم دست به اقدامات مختلف نظامی در خاک سوریه نیز زده است. وزیر اطلاعات اسرائیل درباره تعداد عملیات‌های نظامی در دو سال گذشته بیان داشته است که اسرائیل بیش از ۲۰۰ بار اقدام نظامی در خاک سوریه انجام داده است. او درباره اهداف حملات اسرائیل در سوریه بیان می‌کند که اکثر مناطقی که مورد حمله قرار گرفته‌اند، در نزدیکی مرز لبنان بوده است (Humud: ۱۴, ۲۰۱۷, et al).

این مسئله نشان دهنده اهمیت استراتژیکی ژئوپلیتیک سوریه برای محور مقاومت است که با واکنش نظامی اسرائیل نیز روبه‌رو شده است. رژیم صهیونیستی که از جمله بازیگران ائتلاف مخالف دولت بشار اسد به شمار می‌آید، تمام تلاش خود را برای تغییر رژیم در سوریه به کار بست. بخش عمده این اهداف را می‌توان در تأمین امنیت و منافع رژیم صهیونیستی، تضعیف جبهه مقاومت (متشکل از جمهوری اسلامی ایران، سوریه، حزب الله لبنان و حماس فلسطینی)، گسترش نفوذ و هرژمونی منطقه‌ای، تضعیف ایران به عنوان نماد اسلام سیاسی در منطقه و همچنین، تأمین امنیت انرژی خلاصه کرد.

در این میان، سقوط رژیم اسد به عنوان پل ژئوپلیتیک میان ایران و حزب الله (صف اول مقاومت) می‌تواند نقش تعیین‌کننده‌ای در تقویت جایگاه اسرائیل و تضعیف جبهه مقاومت و همچنین، تغییر موازنه قوا به نفع محور ضد مقاومت و به زیان جمهوری اسلامی ایران که قدرت اول منطقه‌ای در خاور میانه است، داشته باشد (احمدی و قربانی، ۱۳۹۳: ۱۵). سرهنگ جان اتان کانریکوس^۱، سخنگوی ارتش اسرائیل، اعلام کرد که ارتش در اجرای طرح گیدئون، معتمد از سال ۱۳۹۳/۲۰۱۵، به نام مومنتوم فعالیت می‌کند. اهداف استراتژیک و تاکتیکی اسرائیل شامل افزایش شکاف بادشمنان با استفاده از تمام منابع مختلف ارتش از جمله نیروی دریایی، زمینی، هوایی، سایبری و اطلاعاتی است. او بیان کرد: «ما با گروه‌های تروریستی متعددی مواجهیم که ترکیبی از ویژگی‌های ستیزه‌جو و شورشی دارند و همچنین با ارتش‌ها تداعی می‌کنند. این شامل سازمان‌هایی مانند حماس، جهاد اسلامی در فلسطین و حزب الله در لبنان می‌شود. چالش اصلی در مقابله با این گونه سازمان‌ها، تشخیص افراد بین عواملان جنگ است؛ زیرا افراد به‌طور مخفیانه در مناطق شهری و غیرنظامی جذب می‌شوند (Frantzman, ۲۰۲۰). در همین زمینه نتانیا هو بیان داشته است: «من به آنها توصیه می‌کنم که به سرعت [سوریه] را ترک کنند؛ زیرا همان‌طور که وعده داده بودیم، بدون ترس و بدون وقفه به سیاست

قاطعانه خود ادامه خواهیم داد» (newarab، ۲۰۱۹).

رویکرد منطقه‌ای اسرائیل در مقابل سوریه به طور قابل توجهی با دشمنی با ایران همپوشانی دارد. محولات بیداری اسلامی از سال ۱۳۹۸/۲۰۱۱، به ویژه بحران سوریه، تأثیرات قابل توجهی بر محیط امنیتی این رژیم برجای گذاشت. در این باره جرج فریدمن، تحلیلگر برجسته آمریکایی، معتقد است در شرایط فعلی اسرائیل وارد سومین محیط استراتژیک خود شده است. تل‌آویواز محیط استراتژیک اول (تهدید دائمی جنگ دولت با دولت از زمان پیدایش این رژیم تا صلح با مصر) و دوم (حول موضوعات فلسطین، لبنان، سوریه و اسلام‌گرایی اهل سنت) خود عبور کرده و وارد محیط استراتژیک سومی شده است که ایران به عنوان یک قدرت منطقه‌ای در حال ظهور است.

بنابراین، اسرائیل از ابتدای بحران سوریه از مهم‌ترین حامیان معارضان و بعدها گروه‌های تروریستی، از جمله جبهه النصره و داعش بود؛ به گونه‌ای که ایهود باراک، وزیر جنگ این رژیم در مصاحبه‌ای در ابتدای بحران سوریه اعلام کرد: «سقوط بشار اسد برای منطقه خاورمیانه نعمتی است» (اردم و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۶۲-۱۶۱). بر اساس استراتژی ارتش اسرائیل (۲۰۱۸/۱۳۹۶)، سوریه پس از ایران در رتبه دوم در میان تهدیدهای ارتش‌های منظم علیه آن قرار دارد. از سوی دیگر، در بخش ارتش‌های نامنظم و تشکیلات نزدیک به دولت، حزب الله تهدید اصلی به حساب می‌آید که متحد ایران و شریک روسیه در سوریه نیز است. برای سیاست روسیه، در میدان روسیه پازل ایران و اسرائیل یک عمل متعادل‌کننده ظریف است؛ زیرا ایران متحد روسیه و سوریه است و هر دو کشور در حفظ رژیم اسد، احیای تمامیت ارضی سوریه و تضعیف حضور غرب در منطقه (اعم از مستقیم و نیابتی آن) منافع مشترک دارند (Melkonian، ۲۰۲۲).

در برنامه جدید توسعه استراتژیک ارتش اسرائیل «مونتئوم»، ایران یکی از خطرات جدی برای اسرائیل نامیده شده است. دردکترین جدید، همچنین از امکان جنگ هم‌زمان در چند جبهه گفته شده است. اسرائیل شاید مجبور شود با دو یاسه دشمن وارد نبرد شود که از امکانات متفاوتی برخوردارند و به دنبال اهداف گوناگونی هستند. دکترین



جدید اسرائیل همچنین شامل تقویت توانمندی دفاعی و تحکیم سیستم چند سطحی پدافند هوایی و ایجاد «نقاط هوشمند» در امتداد مرزها و ساحل غربی رود اردن است. این دگترین مورد تأیید وزیر دفاع اسرائیل قرار گرفته و نتانیاهو نیز از آن حمایت کرده است (Spnfa, ۲۰۲۰).

۲. کاهش هزینه‌های مقابله با محور مقاومت

آنچه اهمیت طرح مومتوم را برای اسرائیل بیشتر کرده است، دستیابی ایران به عمق استراتژیک در غرب آسیا و از طریق سوریه است. رهبر ایران اولین بار در سال ۱۳۸۷ و سپس در جریان بحران سوریه در سال ۱۳۹۲ از این مفهوم استفاده کردند و پس از آن، این واژه به یکی از سرفصل‌های برنامه‌های سیاسی نظامی ایران در منطقه و جهان تبدیل شد (باقری دولت آبادی و جعفری فر، ۱۴۰۲: ۱۱). توانایی محور مقاومت موجب ایجاد نگرانی شدید در اسرائیل برای مقابله با آن می‌شود. یک نکته بسیار قابل توجه وجود دارد، آن هم اینکه بین هزینه حمله و دفاع برای اسرائیل تعادل وجود ندارد. برای مثال، هزینه موشک‌های کاتپوش حدود ۳۰۰ دلار است، در حالی که هزینه موشک‌های رهگر تامر گنبد آهنین بین ۴۰ هزار تا ۵۰ هزار دلار است. طرفداران پیروزی قاطعانه که دنبال عملیات تهاجمی سریع با تکیه بر استفاده از واحدهای کوچک تر با پشتیبانی از قدرت آتش عظیم هستند، اعتقاد دارند که گزینه‌های فعلی ارتش اسرائیل ناقص هستند. آنها معتقدند که گنبد آهنین به عنوان یک سیستم دفاعی، نمی‌تواند در جنگ‌ها پیروز شود. عملیات تهاجمی از جمله در غزه نه تنها به اهداف خود نرسید؛ بلکه اعتبار بازدارندگی اسرائیل را تضعیف کرده است. سرتیپ اران اورتال معتقد است، عملیاتی که قرار نیست تعیین‌کننده باشد، فقط به منظور «واکسینه کردن» دشمن علیه قدرت اسرائیل است. حال با توجه به حجم موجودی حزب الله که حدود ۱۳۰ هزار موشک مخمین زده می‌شود، خطر غلبه بر سیستم‌های دفاع موشکی اسرائیل فراوان است (Samaan, ۲۰۲۳).

بنابراین، راهبرد مومتوم به نوعی برای کاهش هزینه‌ها و افزایش

ضریب امنیت اسرائیل مورد توجه قرار گرفته است. اسرائیل می‌تواند با بمباران انبارهای تسلیحات و محموله، از کمک ایران به حزب‌الله جلوگیری کند. با این حال، توانایی کمی برای تأثیرگذاری بر وقایع روی زمین در سوریه دارد؛ به این معنی که نمی‌تواند نفوذ ایران یا روسیه را تعدیل کند و بر توانایی رژیم اسد برای بقا یا برگروه‌ها یا افرادی که ممکن است جانشین اسد شوند، تأثیر بگذارد. این سازمان تلاش‌های سیاسی، نظامی و مخفیانه خود را بر دورنگه داشتن نیروها از مناطق نزدیک به مرز اسرائیل متمرکز کرده است؛ جایی که آنها تهدیدهای بالقوه‌ای را برای امنیت اسرائیل ایجاد می‌کنند (Hanauer, ۲۰۱۶).

آویوکو خاوی اظهار کرد: انهدام سریع قابلیت‌های دشمن بسیار اهمیت دارد. حذف سیستم‌تیک و سریع این قابلیت‌ها، از جمله پست‌های فرماندهی، راکت‌اندازها، انبارهای تسلیحات، سطوح فرماندهی دشمن و حتی پرسنل نظامی، اکنون به عنوان امری بسیار حیاتی مورد توجه قرار می‌گیرد. همچنین تعداد و توانایی‌های دشمن راکه ارتش اسرائیل می‌تواند در زمین، هوأ و دریا از بین بردارنیزی توان در نظر گرفت. همچنین، زمان لازم برای انجام این کار و تلفات و هزینه‌های احتمالی نیز از اهمیت بالایی برخوردار است (Lappin, ۲۰۲۰). مونتوم در تلاش است که زمان درگیری را کمتر کند و همچنین به دست‌یابی به موفقیت بیشتر در زمینه نظامی کمک کند و تأثیرات جنگ بر غیرنظامیان را کاهش دهد. ارتش اسرائیل در یک جلسه توجیهی درباره این طرح اظهار داشت که نیروها با هدف «استفاده سریع و گسترده از نیروها علیه سیستم‌های دشمن» ساده شده‌اند (Frantzman, ۲۰۲۰).

۳. جبران خلا عمق استراتژیک

باید توجه داشت که اسرائیل دارای عمق استراتژیک نیست؛ آنچه موجب توجه به مفهوم عمق استراتژیک در ادبیات سیاسی-امنیتی اسرائیل می‌شود، نیاز به ایجاد فاصله فیزیکی بین تهدید و چیزی است که باید از آن محافظت شود (Cropsey, ۲۰۱۴). ست‌کراپسی در توضیح وضعیت جغرافیایی اسرائیل به دو نوع عمق استراتژیک اشاره می‌کند: عمق استراتژیک در داخل و عمق

استراتژیک در خارج. مقصود از عمق استراتژیک در داخل، وجود فاصله طولانی از دشمن و موانعی برای رسیدن آن به پایتخت است. فقدان چنین مزیت‌هایی باعث شد اسرائیل اطمینان حاصل کند که هرگونه اقدام نظامی علیه دشمنانش باید مبتنی بر ضربه اول باشد و جنگ نباید به داخل سرزمین‌های این رژیم کشیده شود. نوع دوم عمق استراتژیک در خارج از مرزهای یک دولت به ویژه در کشورهای کوچکی قرار دارد که بین دشمن و سرزمینی که باید از آن دفاع شود، فاصله ایجاد می‌کنند (Cropsey, ۲۰۱۴). این کشورهای می‌توانند این فرصت را در اختیار کشور (الف) قرار دهند تا دفاع از خود را در خط مرزی (ب) آغاز کنند و هر زمان لازم شد، عملیات نظامی یا خرابکاری و جاسوسی در آن سرزمین اجرا کنند. آنچه توجه به این بعد از عمق استراتژیک را نزد مقامات تل‌آویو برجسته‌تر می‌کند، فقدان عمق استراتژیک از نوع داخلی در اسرائیل است (Giles, ۲۰۲۳: ۱۸).

گفتنی است، بر اساس گزارش مرکز مطالعات استراتژیک بگین-سادات، کارشناسان نظامی رژیم صهیونیستی پیرو راهبرد نظامی و امنیتی مومنتوم و بازتعریف مفهوم پیروزی اسرائیلی‌ها، باور دارند که ماهیت جنگ در منطقه غرب آسیا از کلاسیک به نامتقارن تغییر کرده است. آنها معتقدند که در صورت حضور سرزمینی، نیروهای متجاوز همچنان قادرند از طریق منابع انفجاری شهری ضرباتی را به آنها وارد کنند. در نتیجه، تعریف پیروزی به جای تصرف سرزمین، بر از بین بردن قابلیت‌های بالقوه دشمن در کمترین زمان و با کمترین هزینه و تلفات تمرکز دارد. آنها باور دارند که هرچه نتیجه به این پارامترها نزدیک‌تر باشد، پیروزی قاطع‌تر خواهد بود (رجبی، ۱۴۰۰: ۹۰).

از همین رو، برخلاف ترکیه که خود وارد سوریه شد، اسرائیلی‌ها ترجیح دادند تا حملاتی را در خاک سوریه انجام دهند. حملات هوایی اسرائیل در سوریه در اواخر سال ۲۰۱۷ (۱۳۸۹) آغاز شد؛ زیرا نیروهای ایرانی شروع به استقرار در این کشور متحد کردند. چنین حملاتی داری‌ها و منافع نظامی ایران در خاک سوریه را که اسرائیل را تهدید می‌کند، هدف قرار داده است. در حالی که اسرائیل به‌طور معمول مسئولیت عملیات هوایی را که به‌طور غیررسمی در این کشور به عنوان «جنگ بین جنگ‌ها» نامیده می‌شود، تأیید یا

تکذیب نمی‌کند. اسرائیل و متحدش، ایالات متحده، ایران را به ایجاد پایگاه‌های عملیاتی در سوریه متهم کرده‌اند، در حالی که تهران، دمشق و مسکو بارها اسرائیل را به نقض حاکمیت سوریه و قوانین بین‌المللی از طریق حملات هوایی چندین ساله خود متهم کرده‌اند. دولت سوریه اجازه حضور پرسنل ایرانی و روسی در این کشور را داده است، در حالی که عملیات انجام شده از سوی سایر دولت‌های خارجی از جمله اسرائیل، ترکیه و آمریکا را غیر قانونی می‌داند (O'Connor, ۲۰۲۳).

عملیاتی‌سازی راهبرد مونتوم در سوریه

باید در نظر داشت که هر چند این راهبردها و برنامه‌های نظامی اسرائیل به شکل داخلی منتشر شده‌اند؛ اما اسناد راهبردی اسرائیل ویژگی‌های مشترکی دارند و ساختار آنها متشکل از عناصر مشابهی است. این اسناد نتیجه مطالعه از محیط راهبردی و پاسخ به تهدیدها برای دست‌یابی به اهداف است. همچنین، مبتنی بر سیستمی از مفاهیم تفسیری است که واقعیت‌های موجود در آن زمان را منعکس می‌کند. بنابراین، می‌توان گفت که این اسناد راهبردی از یکسری ویژگی‌های ساختاری مشابهی جدا از کشور تدوین‌کننده آن برخوردارند. به طوری که در فرآیند تدوین اسناد راهبردی به این موارد توجه می‌شود (حبیبی و همکاران، ۱۴۰۰: ۱۸).

سرهنگ جان اتان کانریکوس^۱، سخنگوی ارتش اسرائیل اعلام کرد که ارتش بر اساس طرح گیدنون که در سال ۲۰۱۵ معرفی شد، مونتوم را پیاده‌سازی کرده است. استراتژی و تاکتیک‌های ارتش اسرائیل اهدافی از قبیل افزایش شکاف بادشمنان با استفاده از منابع موجود را دنبال می‌کند. این استراتژی بر اهمیت بُعد چندگانه و حضور نیروهای چندگانه تأکید دارد و از ترکیب تسلیحات نیروهای دریایی، زمینی، هوایی، سایبری و اطلاعاتی بهره‌می‌برد (Frantzman, ۲۰۲۰). می‌توان عملیاتی‌سازی راهبرد مونتوم رژیم صهیونیستی را در بعد سخت و نرم به صورت زیر در نظر گرفت:

۱. انجام اقدامات سخت تهاجمی پیش‌دستانه

اجرای طرح مومنتوم بر اساس اقدامات نظامی پیش‌دستانه به تهدیدهای انجام می‌شود. در همین راستا، دو عنصر اصلی نسبت به تهدید و عملیات دفاعی. حمله‌ای دشمن شامل نخست توانایی سریع و دقیق برای شناسایی مکان نیروهای دشمن است که این موضوع باعث می‌شود اسرائیل اقداماتی را انجام دهد که اثرگذاری قابل توجهی با شناسایی مکان دقیق دشمن و حملات علیه مکان‌های محفی آن یا حین حرکت دشمن بین آنها، امکان رصد و خنثی‌سازی عملیات دشمن را به صورت یک سیستم مؤثر داشته باشد. دوم، سرکوب هدف با عملیات آتش و نابودی است. این اقدام برای اعمال تاکتیکی علیه دشمن، فعال‌سازی آتش در جبهه داخلی دشمن و شلیک به نیروهای دشمن از فاصله دور است. درک تهدید، یعنی زمانی که دشمن خود را به طور آشکار یا غیر آشکار نشان می‌دهد. آتش دشمن نیز تنها منبع تهدید است که موجب می‌شود اقدام پیش‌دستانه انجام شود. با از بین بردن منابع آتش دشمن، توانایی‌های رزمی آن تحت تأثیر قرار می‌گیرد و احتمالاً از لحاظ کارایی ناتوان می‌شود (Ortal, ۲۰۲۰). بنابراین، دستیابی به قابلیت‌های استراتژیک و تقویت بازدارندگی اسرائیل بدون تشدید تنش جدی که به سوی یک درگیری مسلحانه بزرگ یعنی عملاً انجام حملات هدفمند به اندازه کافی کوچک که دشمن احساس کند نیازی به پاسخگویی ندارد و آنها را برای پاسخ دادن مرددتر می‌کند، سوق می‌دهد. چون درگیری بزرگ و فراگیر پیامد تضرر بزرگ‌تری دارد، پس اقدام موضعی و مقطعی پیگیری می‌شود. موفقیت این راهبردی این است که مستمر است (Wasserstein, ۲۰۲۰: ۲۰). اما دشواری اجرای آن مربوط به شناسایی و در دام اهداف فرعی و صورتی افتادن است که با عملیات فریب می‌تواند در در صد رژیم صهیونیستی و کانال‌های نفوذ اطلاعاتی آن تأثیر بگذارد. برخی از این حملات طی ۲۰۲۲-۲۰۲۲ (۱۴۰۱-۱۴۰۰) به این شرح است:

۱۴ آوریل ۲۰۲۲ (۲۵ فروردین ۱۴۰۱) شلیک چند موشک در حومه قتان در جنوب غربی پایتخت، ۲۷ آوریل ۲۰۲۲ (۷ اردیبهشت ۱۴۰۱) حملات هوایی اسرائیل در نزدیکی دمشق، ۲۰ مه ۲۰۲۲ (۳۰

اردیبهشت ۱۴۰۱) حملات نزدیک دمشق، ۱۰ ژوئن ۲۰۲۲ (۲۰ خرداد ۱۴۰۱) حمله به فرودگاه بین‌المللی دمشق، ۲ ژوئیه ۲۰۲۲ (۱۱ تیر ۱۴۰۱) حمله به جنوب طرطوس، ۲۲ ژوئیه ۲۰۲۲ (۳۱ تیر ۱۴۰۱) حمله به نزدیکی فرودگاه نظامی مزه، ۱۴ آگوست ۲۰۲۲ (۲۳ مرداد ۱۴۰۱) حمله به پایگاه سوریه در القتیفه در حومه دمشق، ۳۱ آگوست ۲۰۲۲ (۹ شهریور ۱۴۰۱) حمله به فرودگاه حلب، ۶ سپتامبر ۲۰۲۲ (۱۵ شهریور ۱۴۰۱) حمله به فرودگاه حلب، ۱۷ سپتامبر ۲۰۲۲ (۲۶ شهریور ۱۴۰۱) حمله به فرودگاه دمشق، ۲۷ اکتبر ۲۰۲۲ (۵ آبان ۱۴۰۱) حمله به دمشق، ۱۳ نوامبر ۲۰۲۲ (۲۲ آبان ۱۴۰۱) حمله به پایگاه هوایی الشعیرات در حص، ۱۹ نوامبر ۲۰۲۲ (۲۸ آبان ۱۴۰۱) حمله به حص و حما، ۱۹ فوریه ۲۰۲۳ (۳۰ بهمن ۱۴۰۱) حمله به محله کفرسوزا در دمشق، ۱۲ مارس ۲۰۲۳ (۲۱ اسفند ۱۴۰۱) حمله به مرکز و غرب سوریه، ۲۲ مارس ۲۰۲۳ (۲ فروردین ۱۴۰۲) حمله به فرودگاه حلب، ۳۰ مارس ۲۰۲۳ (۱۰ فروردین ۱۴۰۲) حمله به دمشق، ۲ آوریل ۲۰۲۳ (۱۳ فروردین ۱۴۰۲) حمله به حص، ۴ آوریل ۲۰۲۳ (۱۵ فروردین ۱۴۰۲) حمله به دمشق و ۸ آوریل ۲۰۲۳ (۱۹ فروردین ۱۴۰۱) حمله به مصیاف در استان حماه (Aljazeera, ۲۰۲۳).



(Aljazeera, ۲۰۲۳)

۲. ترکیب کردن راهبرد مومنتوم با قدرت نرم

هرچند در گذشته اسرائیل از رویکرد پیشگیرانه به طرز گسترده‌ای استفاده کرده است و علاوه بر استراتژی پیشگیرانه در حوزه تهدیدهای وجودی، رویکرد «پیشگیری عملیاتی» برای مقابله با تهدیدهای متعارف و نظامی به کار گرفته شد؛ اما با تقویت محور مقاومت در چند کیلومتری اسرائیل، ابزار اصلی برای این مقابله غیر از اقدام نظامی، اقدامات پنهان و دیپلماتیک نیز است (Shapira, ۲۰۲۲). به عبارتی، تلاش‌های نظامی در عین حال با تلاش‌های سیاسی برای توانایی تهاجمی و تدافعی به کار گرفته می‌شود. ارتباط از کانال‌های مختلف عمدتاً به منظور کنترل تشدید و جلوگیری از محاسبه اشتباه خود برای همگام‌سازی و همکاری بین رده‌های سیاسی، دفاعی و نظامی ارشد و جذب حمایت سیاسی، اقتصادی، اطلاعاتی و عملیاتی از طرف شرکای منطقه و جامعه بین‌المللی به ویژه ایالات متحده در دستور کار قرار دارد (Wasserstein, ۲۰۲۰:۲۰).

ایده آل اسرائیل، خروج نیروهای مقاومت از سوریه است. همان‌طور که در سال ۲۰۱۷ نتانیا هو در دیدار با پوتین گفت که اگر خواهان گسترش جنگ در سوریه نیستید، ایران و حزب الله باید سوریه را ترک کنند (Wasserstein, ۲۰۲۰:۳۵). با این حال، فشار اسرائیل بر روسیه تا اندازه زیادی ناکام ماند. سیاست روسیه ضمن مقاومت با این گونه خواسته‌ها،

تلاش برای ایجاد یک تعادل برای راضی نگه داشتن طرف مقابل نیز بوده است. نیکلای پاتروشف، مشاور امنیت ملی روسیه، علناً اعلام کرد که مسکو عجله‌ای برای از بین بردن اتحاد خود با ایران در سوریه ندارد. پاتروشف در این کنفرانس گفت:

ایران متحد و شریک ما بوده و خواهد بود و مدتی است که به تدریج در حال توسعه روابط با آن به صورت دو جانبه و چند جانبه بوده ایم. هرگونه تلاشی برای اینکه تهران را تهدید اصلی امنیت جهانی جلوه دهد و آن را در سبده مشابه داعش یا هر گروه تروریستی دیگری قرار دهد، غیر قابل قبول است. ایران کمک فراوانی به مبارزه با تروریسم در سوریه کرده و به ثبات اوضاع کمک کرده است. ما از شرکای خود می‌خواهیم که خویشتن داری کنند و برای کاهش نگرانی‌ها و تنش‌ها تلاش کنند. باید برای کاهش تنش بین اسرائیل و ایران تلاش کرد.

به نظری رسد موضع علنی مسکو حاکی از آن است در حالی که روسیه آماده است تا ایران را برای دوری از مرزهای اسرائیل تحت فشار قرار دهد؛ امانی تواند یانمی خواهد برای بیرون راندن ایرانی‌ها و نیروهای نیابتی آنها از سوریه اقدام کند. حضور ایران همچنان برای تثبیت رژیم اسد مورد نیاز است و ایرانی‌ها هنوز نقشی راهبردی در پروژه بلندمدت روسیه در سوریه دارند (Lappin, ۲۰۱۹). اما در عین حال باید در نظر داشت که روسیه نیز تلاش می‌کند که به عنوان یک بازیگر ضروری که با حضورش می‌تواند در غرب آسیا جای خود را تثبیت کند و مورد توجه دولت‌های منطقه قرار بگیرد، موجب شده تا نوعی فرمت تعامل روسیه و اسرائیل در سوریه با در نظر گرفتن رویکردهای یکدیگر ایجاد شود. خطوط قرمز اصلی برای طرف اسرائیلی مربوط به تهدیدهای امنیتی از خاک سوریه است. این خطوط قرمز شامل تقویت مواضع حزب الله و دست‌یابی به سلاح‌های مدرن است که می‌تواند فعالیت نظامی اسرائیل را محدود کند.

گسترش شبکه‌های تشکل‌های شبه‌نظامی (نیابتی) طرفدار ایران، ادغام آنها در ارتش عربی سوریه و تقویت نیروی قدس در این فهرست قرار دارد. در خصوص ژئوپلیتیک تهدیدها، خط قرمز اسرائیل، نفوذ عناصر متخاصم به مناطق جنوبی سوریه در نزدیکی بلندی‌های جولان نیز است (Melkonian, ۲۰۲۲).

نشست سه‌جانبه نیکلای پاتروشف، دبیر شورای امنیت روسیه، جان بولتون مشاور امنیت ملی آمریکا و مایرین شبات، رئیس شورای امنیت ملی اسرائیل در تاریخ ۲۵ ژوئن ۲۰۱۹ در اورشلیم درباره مناقشه سوریه به ویژه حضور ایران بود که با وجود اختلافات دیدگاه هیچ توافق مشخصی در مورد حل و فصل سوریه حاصل نشد. با این حال، موضع روسیه در مورد مسئله ایران شنید شد و تا حد زیادی پذیرفته شد: ایران حق حضور در سوریه را دارد و هیچ‌کس نمی‌تواند این فرصت را از او سلب کند. با این حال در ابتدا، طرف اسرائیلی اصرار داشت که سپاه و گروه‌های تحت حمایت ایران را در ۴۰ کیلومتری مرز اسرائیل نگه دارد. به نظر آنها، چنین فضای (بافر) امنیتی ضمانت‌های امنیتی می‌داد. روسیه درخواست اسرائیل برای ایجاد یک منطقه حائل ۴۰ کیلومتری را رد کرد (Ibid).

اگرچه اسرائیل کاملاً امیدوار نیست که اهرم فشار مسکو بر اسد بتواند به بیرون راندن ایرانیان از سوریه کمک کند؛ اما عمدتاً به ابتکار عملیات خود متوسل می‌شود و از حضور نظامی آمریکا نیز حمایت می‌کند (Borshchevskaya, Wajeeh, Rakov, & Sim, ۲۰۲۱). با اختلافی که بین روسیه و اسرائیل بر سر ایران در حضور در سوریه وجود دارد، اسرائیل تلاش دارد تا خود به عملیات نظامی در خاک سوریه دست بزند؛ امری که موجب شدن تا اسرائیل دست به تبلیغات گسترده از توانمندی مهار خود و مقابله با تهدیدها بزند. آژانس خبری فدرال روسیه می‌نویسد: «توجه داشته باشید که رسانه‌های غربی به طور منظم در مورد برخی از برتری‌های گسترده سلاح‌های اسرائیلی گزارش می‌دهند که گویا به پدافند هوایی روسیه اجازه نمی‌دهد موشک‌ها و هواپیماهایی را که توسط آن استفاده می‌شود، نابود کند.»

امادیمتری دانیلوف، رئیس دپارتمان امنیت اروپا و مؤسسه اروپا از آکادمی علوم روسیه و استاد انستیتوی روابط بین الملل دولتی مسکو بیان می‌دارد که سامانه‌های دفاع هوایی روسیه مستقر در سوریه، موشک‌های اسرائیلی را به دلایل سیاسی ساقط نمی‌کنند؛ چراکه اسرائیل رانمی‌توان به عنوان یک دشمن نظامی روسیه در نظر گرفت (UAAWIRE, ۲۰۲۰).

با این اوصاف، روسیه نیز نگران دو مسئله است؛ نخست اینکه عملیات مونتوم اسرائیل در خاک سوریه موجب تقویت ایران و نیروهای مقاومت در سوریه و عملیات متقابل خواهد شد و دوم اینکه اسرائیل باید در نظر داشته باشد که تبعات اقدام آن می‌تواند بر تشدید تنش‌ها مؤثر واقع شود. چنانکه در ژوئیه ۲۰۱۹، روسیه به طور علنی از یکسری حملات اسرائیل انتقاد کرد و گفت که آنها «به شدت حق حاکمیت سوریه را نقض می‌کنند» (Jones, Harrington, & Bermudez, ۲۰۱۹). با این حال، عملیات مونتوم را باید در بستری از به کارگیری قدرت نرم نیز مشاهده کرد.

جمع‌بندی

پس از بهار عربی و آغاز اعتراضات در اوایل سال ۲۰۱۱ در سوریه که در پایان آن سال به جنگ داخلی تبدیل شد، دو جبهه موافق و مخالف رژیم اسد در برابر یکدیگر قرار گرفتند. غرب و اسرائیل و برخی کشورهای منطقه‌ای به دنبال سقوط بشار اسد بودند و در مقابل روسیه و ایران از رژیم بشار اسد حمایت کردند. پس از سال‌ها جنگ داخلی، در نهایت این واقعیت مورد پذیرش واقع شد که رژیم اسد سقوط نیافتنی است و از آنجایی که راهبردهای منطقه‌ای رژیم صهیونیستی شکست خورد و در منطقه اجرایی نشد، لذا تلاش این رژیم در به هم زدن معادلات استراتژیک به نفع محور مقاومت بود. اسرائیل به دلیل وسعت کم و جغرافیای خاص خود، از عمق استراتژیک کافی برخوردار نیست. این موضوع، اسرائیل را در برابر حملات دشمنانش آسیب پذیرتری کند. طرح مونتوم به دنبال افزایش توان دفاعی اسرائیل و جبران این نقص استراتژیک است. سیاست نظامی مورد تعقیب اسرائیل در سوریه این بود که به جای ورود نظامی به خاک سوریه و دفع تهدید با حضور نظامی، از

راهبردی مطمئن تر در سوریه استفاده کند؛ چراکه اسرائیل آگاه بود هرگونه حضور نظامی آن در خاک سوریه، ضمانت‌های امنیتی برای نیروهای اسرائیلی را فراهم نخواهد کرد و با توجه به ماهیت نیروهای غیررسمی فعال در سوریه، احتمال رویارویی در سوریه سخت خواهد بود. راهبردی که همان ادامه راهبرد قبلی اسرائیل و البته به صورت فعال تر در نظر گرفته شد، راهبرد مومنتوم است که در سال ۲۰۱۹ پیگیری شد. این راهبرد جایگزین راهبرد گیدئون است که از سال ۲۰۱۵ از سوی مقامات نظامی و امنیتی رژیم اجرا شد و بر افزایش آمادگی نیروهای ارتش و اشرافیت اطلاعاتی متکی بود؛ اما استراتژی مومنتوم اسرائیل به دنبال ارتقای توانایی‌های نظامی این رژیم در جنگ‌های آینده است. راهبرد مومنتوم افزایش توان تهاجمی است که با تمرکز بر حملات پیشگیرانه برای خنثی کردن تهدیدها قبل از وقوع آنها انجام می‌شود. ارتقای سرعت عمل و اجرای عملیات نظامی در آن نقش مهمی دارد و تلاش می‌کند با افزایش دقت و تمرکز در حملات برای به حداقل رساندن تلفات انجام شود. برای تقویت قدرت آتش می‌تواند از فناوری‌های پیشرفته نیز بهره بگیرد.

به علاوه این استراتژی با قدرت نرم می‌تواند اثر خود را افزایش دهد؛ به طوری که با همکاری با متحدان و افزایش چابکی و محرک بر انجام عملیات تمرکز کند. این راهبردی کوشد با ترور فرماندهان مقاومت و بمباران هوایی مواضع آنها، کنترل شرایط را در موضوع سوریه به دست گیرد یا از وقوع جنگ‌های آتی که احتمال شکست اسرائیل در آن حتمی خواهد بود، ممانعت به عمل آورد. این تلاش‌هایی که از اهداف آن برخلاف حضور جدی ترکیه پرهزینه و زمان بر است و ممکن است به کاهش نیروهای انسانی اسرائیل منجر شود، به طریقی تلاش دارد تا بعد از شناسایی مواضع و نیروها، به آنها حمله غافلگیرانه کند. جلوگیری از استقرار و تثبیت حضور ایران در سوریه، تضعیف توان نظامی و لجستیکی حزب الله در سوریه، افزایش فشار بر دولت سوریه و ایران برای جلوگیری از انتقال سلاح از سوریه به لبنان و حزب الله، مهم‌ترین اهداف اجرایی آن است. در کل، طرح مومنتوم

به صورت کامل موفقیت آمیز نبوده است؛ چراکه قدرت و نفوذ ایران و محور مقاومت در منطقه نه تنها کاهش نیافته است؛ بلکه عدم حمایت کامل متحدان بین المللی از رژیم صهیونیستی، نگرانی از ورود به درگیری نامتعارف با ایران و احتمال واکنش های تلافی جویانه ایران و محور مقاومت، موجب شده است تا این رژیم ضریب نگرانی و ناامنی خود را افزایش بدهد. در کل در ارزیابی استراتژی مومنتوم، مزایا و معایب وجود دارد که به شرح زیر است:

| مزایا/ معایب | توضیحات |
|--------------------------|--|
| مزایای استراتژی مومنتوم: | <p>غافلگیری: با پیش قدم بودن و اتخاذ ابتکار عمل می توان دشمن را غافلگیر کرد و از او در عملیات پیشی گرفت.</p> <p>تأثیرگذاری بر میدان نبرد: با به دست آوردن ابتکار عمل، ارتش می تواند میدان نبرد را کنترل کند و با خنثی سازی و به تعویق انداختن عملیات، شرایط را به نفع خود تغییر دهد.</p> <p>افزایش روحیه: ریسک پذیری و موفقیت در عملیات پیش دستانه به ویژه علیه افراد و نیروهای تأثیرگذار می تواند روحیه رژیم را افزایش دهد و انگیزه آنها را برای ادامه جنگ تقویت کند.</p> |
| معایب استراتژی مومنتوم | <p>احتمال شکست و فریب: هر ریسکی احتمال شکست را به همراه دارد. در صورتی که شکست عملیات پیش دستانه از طریق فریب و اشتباه محاسباتی رخ دهد، می تواند منجر به خسارات سنگینی و درز اطلاعاتی و عملیاتی شود.</p> <p>هزینه بالا به سبب اقدامات تلافی جویانه: اجرای عملیات پیش دستانه به منابع و تجهیزات فراوانی نیاز دارد که می تواند هزینه های تقابل را افزایش دهد.</p> <p>تعرض به حاکمیت ملی: ریسک پذیری و ابتکار عمل به سبب تعرض به حاکمیت ملی کشورها می تواند از مصادیق اقدامات تروریستی و نقض حاکمیت ملی تلقی شود.</p> |

منابع و مأخذ

- احمدی، حمید؛ قربانی، فهیمه. (۱۳۹۳). تأثیر بحران سوریه بر روابط ایران و ترکیه، فصلنامه روابط خارجی، سال ششم، شماره سوم، پاییز، صص ۴۴-۷.
- باقری دولت آبادی، علی؛ جعفری فر، احسان. (۱۴۰۲). روابط رژیم صهیونیستی و جمهوری آذربایجان در پرتو مفهوم عمیق استراتژیک، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، سال بیست و نهم، شماره ۱۲۳، صص ۳۰-۳.
- حبیبی، رحمان؛ یوسفی، مجید؛ رودباری، علیرضا. (۱۴۰۰). تحلیل اسناد راهبردی اسرائیل (راهبر دامنیت ملی راهبرد آیزنکوت و راهبرد نظامی)، فصلنامه مطالعات بنیادین و کاربردی جهان اسلام، سال سوم، صص ۳۸-۷.
- خدیمی، مسعود؛ هادی، سمانه؛ کاظمی، علیرضا. (۱۳۹۹). سیاست‌های نظامی رژیم صهیونیستی از بدو تأسیس تا سال ۲۰۲۰ با استناد به مدل راهبردی دیوید، فصلنامه دانش تفسیر سیاسی، شماره ۵، صص ۱۱۳-۸۰.
- رجبی، محمد. (۱۴۰۰). راهبردهای سیاسی و امنیتی رژیم صهیونیستی در جهان اسلام، فصلنامه دفاع مقدس، دوره ۷، شماره ۴، صص ۲۰۱-۱۷۹.
- سالاری، محمد. (۱۳۹۲). شکل‌گیری حکومت‌های جدید عربی (مصر، لیبی) و تأثیر آن بر امنیت ملی رژیم صهیونیستی، پایان‌نامه ارشد دانشگاه خوارزمی، استاد راهنما: ارسلان قربانی شیخ‌نشین.

- Academic. (۲۰۲۳:۱۸). Retrieved from The Role of Israel's Ground Forces in Israel's Wars: <https://academic.oup.com/book/۴۵۷۸۴/chapter/۴۰۰۶۰۱۳۸۶>
- ALJAZEERA. (۲۰۱۸, sep ۲۵). Retrieved from Russian decision to deploy S-۳۰۰ in Syria 'a major mistake': US: <https://www.aljazeera.com/news/۲۰۱۸/۹/۲۵/russian-decision-to-deploy-s-۳۰۰-in-syria-a-major-mistake-us>
- Aljazeera. (۲۰۲۳). Retrieved from Israeli attacks on Syria in the past year: Timeline: <https://www.aljazeera.com/news/۲۰۲۳/۴/۱۰/israeli-attacks-on-syria-in-the-past-year-a-timeline>
- Azizi, H. (۲۰۲۳). Retrieved from Why Russia is no longer Iran-Israel de-escalator in Syria: <https://amwaj.media/article/why-russia-is-no-longer-iran-israel-de-escalator->

in-syria

- Baladi, E. (۲۰۲۳). Retrieved from Opposition not moving despite Assad regime's swinging Will Russian-Iranian preoccupation leave a void in Syria?: <https://english.enabbaladi.net/archives/۲۰۲۲/۱۱/will-russian-iranian-preoccupation-leave-a-void-in-syria/>
- Borshchevskaya, A., Wajeeh, R., Rakov, D., & Sim, L.-C. (۲۰۲۱, APR ۲۱). Retrieved from Russia in the Middle East: A source of stability or a pot-stirrer?: <https://www.atlanticcouncil.org/blogs/menasource/russia-in-the-middle-east-a-source-of-stability-or-a-pot-stirrer/>
- Brownpundits. (۲۰۲۳). Retrieved from The Israeli Defense Forces (by Dr Hamid Hussain): <https://www.brownpundits.com/۲۰۲۳/۱۰/۲۵/the-israeli-defense-forces-by-dr-hamid-hussain/>
- Csis. (۲۰۲۱). Retrieved from The Evolution of Russian and Iranian Cooperation in Syria: <https://www.csis.org/analysis/evolution-russian-and-iranian-cooperation-syria>
- Frantzman, S. J. (۲۰۲۰). Retrieved from Israel rolls out new wartime plan to reform armed forces: <https://www.defensenews.com/global/mideast-africa/۲۰۲۰/۰۲/۱۸/israel-rolls-out-new-wartime-plan-to-reform-armed-forces/>
- Frantzman, S. J. (۲۰۲۰). Retrieved from Israel rolls out new wartime plan to reform armed forces: <https://www.defensenews.com/global/mideast-africa/۲۰۲۰/۰۲/۱۸/israel-rolls-out-new-wartime-plan-to-reform-armed-forces/>
- Hanauer, L. (۲۰۱۶). Retrieved from Israel's Interests and Options in Syria: <https://www.rand.org/pubs/perspectives/PE۱۸۵.html>
- Ispionline. (۲۰۲۳). Retrieved from Iran, Russia, and the Militias: Seeds of Tactical Cooperation: <https://www.ispionline.it/en/publication/iran-russia-and-the-militias-seeds-of-tactical-cooperation-۱۲۱۹۶۸>
- Iiwfs(۱۳۹۹), , ماشین جنگی جدید ارتش رژیم صهیونیستی <https://iiwfs.com/>
- Jones, S., Harringto , n., & Bermudez, J. (۲۰۱۹, JULY ۱۹). Dangerous Liaisons: Russian Cooperation with Iran in Syria. pp. ۱-۲. Retrieved from



Dangerous Liaisons: Russian Cooperation with Iran in Syria: file:///JonesHarringtonBermudez_RussiaIran_layout_FINAL_v۳.pdf

- Katz, M. N. (۲۰۲۰). Retrieved from Iran-Syria air defense pact could cause Russian-Iranian friction: <https://www.atlanticcouncil.org/blogs/menasource/iran-syria-air-defense-pact-could-cause-russian-iranian-friction/>
- Lappin, Y. (۲۰۱۹). Retrieved from Israel's Strategic Goal in Syria: <https://besacenter.org/israel-strategy-syria/>
- Lappin, Y. (۲۰۲۰). Retrieved from The IDF's Momentum Plan Aims to Create a New Type of War Machine: <https://besacenter.org/idf-momentum-plan/>
- Lappin, Y. (۲۰۲۳). Retrieved from Ma'alot (Ascent): The IDF Will Need to Drastically Update Its Multi-Year Program: <https://besacenter.org/maalot-ascent-the-idf-will-need-to-drastically-update-its-multi-year-program/>
- Marcus, J. (۲۰۱۸, SEP ۱۸). Retrieved from Russian plane deaths in Syria: What will be the consequences?: <https://www.bbc.com/news/world-middle-east-۴۵۵۶۴۱۲۵>
- Melkonian, S. (۲۰۲۲). Retrieved from Russia-Israel Cooperation in Syria: Interests, Dynamics, and Impact of the War in Ukraine: <https://epc.ae/en/details/featured/russia-israel-cooperation-in-syria-interests-dynamics-and-impact-of-the-war-in-ukraine>
- Namehnews(۱۳۹۸), تغییر ساختار ارتش اسرائیل برای مقابله با ایران, <https://www.namehnews.com/fa/tiny/news-۵۷۴۱۲۲>
- newarab(۲۰۱۹), New Israeli army chief promises 'deadly, efficient' military, <https://www.newarab.com/news/new-israeli-army-chief-promises-deadly-efficient-military>
- O'Connor, T. (۲۰۲۳). Retrieved from Exclusive: Iran Keeps Building Air Defense Network in Syria, Israel Keeps Bombing It: <https://www.newsweek.com/exclusive-iran-keeps-building-air-defense-network-syria-israel-keeps-bombing-it-۱۷۷۲۰۱۳>

